

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تبارك و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

عبودیت و وظیفه محوری، بالاترین کمال

شناسنامه مطلب	
t-180	کد مطلب
تزکیه‌ای / تقوای عمومی / اصلاح اندیشه / آشنایی با مسیر / ویژگی‌های مسیر	رده
وظایف فردی، وظایف اجتماعی، تزکیه، عبودیت، وظیفه محوری، امام خامنه‌ای	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

nomov.ir

به خلاف اهل طریقت که پس از اندی سلوک، راه خود از شریعت جدا می‌کنند، در اخلاق و عرفان و سلوک اصیل شیعی، شریعت عین طریقت و طریقت عین شریعت است. شریعت به این است که انسان به هر چه از سوی پروردگار عالم وظیفه دارد، عمل کند. و عبودیت و بنده محض بودن، جز وظیفه محوری نیست. و تفاوتی نمی‌کند که وظیفه از وظایف فردی باشد یا وظایف اجتماعی؛ از وظایف دنیوی باشد یا اخروی.

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱

و جن و انسان را خلق نکردم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند.

امام خامنه ای (دام ظلّه العالی):

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ یعنی عبودیت. اصلاً هدف خلقت، عبد خدا شدن است؛ که بالاترین کمالات هم همین عبودیت خداست.^۲

در اسلام نگاه به انسان از دو زاویه است که این دو زاویه هر دو مکمل همدیگر هستند. این می‌تواند پایه و مبنائی برای همه‌ی مسائل کلان کشور و نسخه‌هائی که برای آینده‌ی خودمان خواهیم نوشت، باشد. این دو زاویه‌ای که اسلام از آن به انسان نگاه می‌کند، یکی نگاه به فرد انسان است؛ به انسان به عنوان يك فرد؛ به من، شما، زید، عمرو به عنوان يك موجود دارای عقل و اختیار نگاه می‌کند و او را مخاطب قرار می‌دهد؛ از او مسئولیتی می‌خواهد و به او شأنی می‌دهد، که حالا خواهیم گفت. يك نگاه دیگر به انسان، به عنوان يك كَلِّ و يك مجموعه‌ی انسان‌هاست. این دو نگاه باهم منسجمند؛ مکمل یکدیگرند. هر کدام آن دیگری را تکمیل می‌کند.

۱ - الذاریات؛ ۶

۲ - بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت؛ ۲۷ / ۰۲ / ۱۳۹۰

در نگاه اول که نگاه اسلام به فرد انسانی است، يك فرد مورد خطاب اسلام قرار می‌گیرد. در اینجا انسان يك رهروی است که در راهی حرکت می‌کند، که اگر درست حرکت کند، این راه، او را به ساحت جمال و جلال الهی وارد خواهد کرد؛ او را به خدا خواهد رساند؛ «یا ایُّها الانسان انِّك کادح الی ربِّک کدحاً فملاقیه». اگر بخواهیم این راه را تعریف کنیم، در يك جمله‌ی کوتاه می‌شود گفت این راه، عبارت است از مسیر خودپرستی تا خداپرستی. انسان از خودپرستی به سمت خداپرستی حرکت کند. مسیر صحیح و صراط مستقیم این است.

مسئولیت فرد انسان در این نگاه، این است که این مسیر را طی کند. یکایک ما مخاطب به این خطاب هستیم؛ دیگران بروند، نروند؛ حرکت کنند، نکنند؛ دنیا را ظلمات کفر بگیرد یا نور ایمان بگیرد، از این جهت تفاوت نمی‌کند. وظیفه‌ی هر فردی به عنوان يك فرد این است که در این راه حرکت کند؛ «علیکم انفسکم لا یضرکم من ضلّ اذا اهتدیتم». باید این حرکت را انجام بدهد؛ حرکت از ظلمت به نور، از ظلمت خودخواهی به نور توحید. جاده‌ی این راه چیست؟ بالاخره مسیری را می‌خواهیم حرکت کنیم و به جاده‌ای نیاز داریم؛ این جاده، همان واجبات و ترک محرمات است. ایمان قلبی موتور حرکت در این راه است؛ ملکات اخلاقی و فضائل اخلاقی، آذوقه و توشه‌ی این راه است، که راه و حرکت را برای انسان آسان و تسهیل می‌کند؛ سرعت می‌بخشد. تقوا هم عبارت است از خویشتن‌پایی؛ مواظب خود باشد که از این راه تخطی و تجاوز نکند. وظیفه‌ی فرد در نگاه اسلام به فرد، این است. در همه‌ی زمانها، در حکومت پیغمبران، در حکومت طواغیت، يك فرد وظیفه‌اش این است که این کار را انجام دهد و تلاش خودش را بکند.

اسلام در این نگاه به انسان به عنوان يك فرد، توصیه می‌کند زهد بورزد. زهد یعنی دل‌باخته و دل‌بسته‌ی دنیا نشود؛ اما در عین اینکه توصیه به زهد می‌کنند، قطع رابطه‌ی با دنیا و کنار گذاشتن دنیا را ممنوع می‌شمارند. دنیا چیست؟ دنیا همین طبیعت، همین بدن ما، زندگی ما، جامعه‌ی ما، سیاست ما، اقتصاد ما، روابط اجتماعی ما، فرزند ما، ثروت ما، خانه‌ی ما است. دل‌بستگی به این دنیا، دل‌باخته شدن به این نمونه‌ها، در این خطاب فردی، کار مذمومی است. دل‌باخته نباید شد. این دل‌باخته نشدن، دل‌بسته نشدن، اسمش زهد است؛ اما این‌ها را رها هم نباید کرد. کسی از متاع دنیا، زینت دنیا، از نعمت‌های

الهی در دنیا رو برگرداند، این هم ممنوع است. «قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الرزق قل هي للذين آمنوا»؛ یعنی کسی حق ندارد که از دنیا اعراض کند. این‌ها جزو مسلمات و معارف روشن دین است که من نمی‌خواهم توضیح بدهم. این، نگاه فردی است. در این نگاه به فرد انسان، اسلام استفاده‌ی از لذت‌های زندگی و لذت‌های حیات را برای او مباح می‌کنند؛ اما در کنار او يك لذت بالاتر را که لذت انس با خدا و لذت ذکر خداست، آن را هم به او یاد می‌دهند. انسان در يك چنین راهی به عنوان انسانِ اندیشمند و دارای اختیار، باید انتخاب کند و در این صراط حرکت کند و برود. در این نگاه، مخاطب البته فرد انسان است. هدف این حرکت و این تلاش هم رستگاری انسان است. اگر انسان به این دستورالعمل و نسخه‌ای که به او داده شده است. عمل بکند، رستگار می‌شود. این، يك نگاه است.

در زاویه‌ای دیگر در نگاه کلان، همین انسانی که مخاطب به خطابِ فردی است، خلیفه‌ی خدا در زمین معرفی شده؛ يك وظیفه‌ی دیگری به او واگذار شده و آن عبارت است از وظیفه‌ی مدیریت دنیا. دنیا را باید آباد کند؛ «و استعمرکم فیها». همین انسان مأمور است که دنیا را آباد کند. آباد کردنِ دنیا یعنی چه؟ یعنی از استعدادها و فراوان و غیر قابل شمارشی که خدای متعال در این طبیعت قرار داده، این استعدادها را استخراج کند و از آن‌ها برای پیشرفت زندگی بشر استفاده کند. در این زمین و پیرامون زمین، استعدادهایی هست که خدای متعال این‌ها را گذاشته است و بشر باید این‌ها را پیدا کند. يك روزی بشر آتش را هم نمی‌شناخت، اما آتش بود؛ الکتروسیته را نمی‌شناخت، اما در طبیعت بود؛ قوه‌ی جاذبه را نمی‌شناخت، قوه‌ی بخار را نمی‌شناخت، اما این‌ها در طبیعت بود. امروز هم استعدادها و قوای بی‌شمار فراوانی از این قبیل در این طبیعت هست؛ بشر بایستی سعی کند این‌ها را بشناسد. این مسئولیت بشر است؛ چون خلیفه است و یکی از لوازم خلیفه بودنِ انسان، این است.

عین همین مطلب در مورد انسان‌هاست؛ یعنی انسان در این نگاه دوم، وظیفه دارد استعدادها و درونی انسان را استخراج کند؛ خرد انسانی، حکمت انسانی، دانش انسانی و توانایی‌های عجیبی که در وجود روان انسان گذاشته شده، که انسان را به يك موجود مقتدر تبدیل می‌کند. این هم نگاه کلان است. در این نگاه کلان، مخاطب کیست؟ مخاطب، همه‌ی افرادند. استقرار عدالت و روابط صحیح، خواسته شده است. از چه کسانی؟ از همه‌ی افراد. یکایک افراد جامعه‌ی بشری در همین نگاه کلان، مخاطبند؛ یعنی

وظیفه و مسئولیت دارند. ایجاد عدالت، ایجاد حکومت حق، ایجاد روابط انسانی، ایجاد دنیای آباد، دنیای آزاد، بر عهده‌ی افراد انسان است. در این نگاه می‌بینید انسان همه‌کاره‌ی این عالم است؛ هم مسئول خود و تربیت خود و تعالی خود و تزکیه و تطهیر خود، هم مسئول ساختن دنیا. این نگاه اسلام است به انسان.^۱